



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۰۷

داکتر صالح سعیدی

تاریخ نویسی در تعصب و پیشداوری

سلام خدمت خواننده معزز

بحث جناب مرزایی در طعن بر استاد حبیبی مرحوم و تبصره جانانه افشاء گرانه جناب سید ذاکر شاه سادات را در مورد خواندم!

تاسف کردم، که ما را به چه چیز مصروف ساخته اند و اولویت های امروز ما را از ما میگیرند و انرژی ما را دمصرف این تعصبات و بخش از لاطیلات، کنش و واکنش های میسازند، که نه وقتش و نه هم به این تون و لهجه، باید مطرح شود! ما باید بدانیم که اولویت امروز ما خروج از بحران و نجات مشترک است! عده از پست فطرتان که این فرصت را غنیمت دانسته و به عزت و افتخار افغانستان حملات سیستماتیک و تهاجمی دارند، ایشان را هم به یاد خواهیم داشت! ناکامی و روی سیاهی شان (ان شاء الله تعالی) حتمی بخاطر اند، که بر حق نیست و مستندات تاکیدات ایشان جعلی و خطاء آغسته به کینه و استخبارات خارجی، افغان دشمن است!

تاریخ کلمه عربی و ترجمه تحت اللفظی معادل آن سینه نگاری (کرونولوژی) است!

تاریخ به مفهوم هیستوری History، از هیز ستوری His Story، گرفته شده. و این به معنی (قصه و داستان وی!). به این ترتیب تاریخ (کرونولوجی) معادل کامل کلمه بنام هیستوری در معنی تحت اللفظی نیست!

کرونولوژی یا سینه نگاری (ترجمه تحت اللفظی تاریخ)، یکی از شش بخش علم هیستوری است که علم هستوری (تاریخ به مفهوم درست کلمه) به آن میپردازد!

در هیز ستوری، این قصه و داستان وی، داستان و قصه من و شما، حد اقل روایت، دوگانه است! تاریخ نوشته شده توسط، نویسنده استعمار گر، و تاریخ نوشته شده توسط مرد از مستعمره ها و مستعمره شده!

استعمار گر تا امروز رفتن، هجوم و عسکر گشایی را به کشورهای عقب مانده، رسالت مرد سفید متمدن، برای بردن و انتقال تمدن؟! و پیشرفت؟! به کشور عقب مانده و وحشی؟! میداند و تاریخ نویس مستعمره و چپاول شده، آنرا داستان از چور، چپاول، غارت و تاراج میشناسد و میداند!

تاریخ و سرگذشت افغان در عصر جمهوریت و اخیر، عمل کرد دزدان سر گردنه و متجاوزین به ناموس مردم و تصفیه های قومی و زبانی در شمال و جنایات در حق ناقلین و تاریخ (ببخشید تاریخ گفتم، چون درین مناسبت چشم دید که ثبت تاریخ میشود) خانواده ها و کسانیکه به برخورد شنیع، فجیع و غیر انسانی گلم جم ها و متحدین بین المللی شان مواجه شدند و داستان های همچنانی از دشت لیلی به روایت هردو و یا هر سه جانب! روایتها و قصه هاییکه دیگر گوینده آن دربین ما نیست و دفن تاریخ شد! داستانهای از زایمان اجباری در کوته سنگی و رقص بسمل و کله منار های از مردم شینوار توسط امیر عبدالرحمن خان برای حفظ حاکمیت و حرمسراها و توان فرار مردم مورد پیگرد مهلک امیر عبدالرحمن خان از مردم افغانستان که علیه وی و حاکمیت اش در جای قدعلم کرده بودند و مطالبات مردم افغانستان مرکزی و بامیان و میران شان که در میراث از امیر شیرعلیخان خواهان (چون امیر شیرعلیخان از بن مردم زوجات داشت) متوفی، حق و مقام مناسب و میراث میخواستند و توسط امیر عبدالرحمن خان سرکوب شدند و عده که قادر به فرار شدند و عمدتاً در کویت پاکستان و در مشهد ایران جابجا شده و بعد ها توسط استخبارات کشورهای پاکستان و ایران، تا امروز علیه افغانستان و افغانها به کار گرفته شده و عده شان حتی در نقش شخصیت های مطرح سیاسی در جمهوریت اخیر در ین آشفته بازار، قدعلم کردند، سیاسی، تحلیل گر، دیپلمات سابق و حتی از حکومت سفارتخانه های خارجی، قادر به جزیه گرفتن شدند! و این سبک، تون و شدت ادبیات بکار برده شان مانند دوران جمهوریت، جزیه گیرانه و استکبار ادامه دارد، از خواب بر میخیزند و اعلام میداند، حد اقل خواست ما خراسان است و افغانستان و افغان را نفیه میکنند! از وجود وارثین و خادمان این ملت و افغان انکار و

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولی

نادیده میگیرند و قدرت سیاسی و نظامی به طالب را هدیه و تحفه جناب خلیل زاد و خارجه ها میدانند! در حالیکه در عمل با تمام امکانات، تفنگ و سلاح غیر محدود مجبور به فرار شدند و اکثر شان مهاجر اند، اما تکبر و استکبار شان همان و از تغیر حالات گویا برگشت ناپذیر که ایشان را دیگران به قدرت رسانیدن، در عمل انکار میکنند و یا متوجه نیستند!

از صدها مثال تفاوت دیدگاه، و دید تاریخی به مناظره زنده تلویزیونی، دوسال قبل، مرد محقق و تحلیل گر سیاسی از دید تاریخ کشور و جامعه استعمار شده قاره بزرگ هند، با دهن پر از خنده، و بدون غصه، بدون قهر و بدون عناد، با دید بدون عقده و بدون کینه، ثابت ساخت که عاید ملی قاره هند، (جی پی پی)، تولیدات تکستیل و نساجی و قبل از وارد شدن استعمار خارجی و انگلیس در قاره هند، بالاتر از سطح عاید کل ملی بود که استعمار در وقت بازگشت و خروج خویش در قاره هند، بجا گذاشت! به این ترتیب محقق هندی الاصل ثابت ساخت، که استعمار برای شان خوشبختی نه آورده، بلکی، تاراج شان کرده است! در تفاوت به اکثر این بحثهای افغانی درین بحث علمی، مستند و ارقام ارایه میشد، خیانت، لاپیلات، جفن و تعصب نبود!

و اما بحث های بی سویه، متعصب، دستوری (استخبارات اجنبی و تاجران قوم و زبان) سالهای اخیر در افغانستان و درین شرایط دشوار مردم افغانستان ، بدون ضرورت و اولویت امروز ما، اکثر به دستور مرجع افغان دشمن، تعصب، پیشداروی، و با کینه همراه و خجالت آور هم هست که آنرا نام بحث علمی و تحقیقاتی بنامیم!

اگر اقوام و قبایل و مردمان، ساکن در خطه ما و اطراف سلسله کوه های هندوکش و سلیمان را به قول و استناد کتبی های داریوش و مستندات قرنهای گذشته آن و از جانب مستندات مؤرخین و محللین تاریخی و گردشگران هندی افغان خوانده و مستند به اطلاق ایشان شد، درین صورت و با این فهم و با در نظر داشت توالیرانس معین و دادن استثنا به اولاد چنگیز و حتی الکساندر بزرگ که هنوز هم بقایای شان را در نورستانهای افغانستان، شخصاً دیده ام، باید گفت که ساکنان این مناطق دریک هویت کلی ، افغان و اسپ دوانان تیز ران (آپگان) مینامند و آند! این بدان معنا نیست که عده از مؤرخان و سطحی اندیشان درین سرزمینها، بنابر نقش بارز پشتونها درین مناطق، پشتون را با افغان مغالطه نه نوشته، باشند! بلی چنین مغالطه ها وجود دارند و تعجب آور هم نیست!

اما حال افغان یک هویت است و بر تمام کسانی اطلاق میشود که شهروند افغانستان، از آمو تا آباسین، اُتک و مارگله اند!

همانگونه که امریکا دیگر نام دوست نقشه کش ایتالیالوی، نیست که به بر نقشه کشیده از سرزمینهای جدید کشف شده ای امریکای امروز، نام دوست خود امریکو را گذاشت و حال امریکو، به امریکا مبدل شده و یک هویت است! مشکل زمانی چاق ساخته میشود که جهال، متعبین و احیران اجنبی، با امکانات میدیایی مانند دیروز در فکستان انتر نشنال که جنرال متقاعد، فکستان را که تصادفاً از همان نسل پنجابی آورده شده در وقت استعمار به مناطق پشتون نشین باشد، میپرسد که شما به افغانستان یکجا شدن میخواهید و وی انکار میکند! و بعد از یک دیگر متکلم پشتو عین سوال و انکار!

اصل گپ آوردن پشتونها و بلوچها و سرزمینهای شان به کابل نیست! اصل گپ پشتیبانی از ختم تسلط و استعمار پنجاب بر این ملتها و غضب مال، متاع، آب، چارتراش و معادن و آب این مردم و توقف دادن گشتان این مردم است! این سر زمینها به همانهای متعلق است که در آنجا زندگی میکنند! این سر زمینها به مه رنگ بلوچ و هزار ها هزار و میلیونها افغان و پشتون متعلق است که در آن زندگی میکنند! هدف این نیست و نبوده و ممکن نیست که این مناطق را مانند مال دکان بقالی، پشت کرد و به کابل آورد و جبار پنجاب، به جبار و چپاول گر کابل مبدل شود!

سوال احمقانه گرداننده فکستان انترنشال از هردو اشتراک کننده به این میماند که از سمنگانی بپریم شما در قندهار زندگی کردن میخواهید و یا در سمنگان؟ و وی طبعاً سمنگان را انتخاب میکند!

علاوه براین هرکه به زبان پشتو و دری صحبت میکند، حتمی نیست، افغان در کل و یا به صورت مشخص پشتون و یا تاجک باشد(حال به پیروی از تلفظ آسیای میانه تاجیک نوشته و تلفظ میکنند)!

ما به خوشال خان ختک ، در خدمت دربار مغل دشمن نه، بلکه به همان خوشال خان ختک میبایم و افتخار داریم که در خدمت ملت و مردم قرار گرفت!

بلیرچنانچه در بالا آوردیم، در زمان استعمار وقت، هر سرباز استعماری که اکثر بدون خانواده و مجرد بود، در هند و در مناطق پاکستان امروز وظیفه داشت، حق داشت شش بادیگارد و سرباز محل داشته باشد! این تعداد عساکر و بادیگار در مناطق پشتون نشین موجود نبود! لذا ایشان مجبور شدند، عده را از بقیه قسمتها با فامیل های شان به مناطق پشتون نشین کوچ دهند و حتی در خانواده ها با ایشان این عساکر مجرد خارجی زندگی کنند و یا قصر ها و بنگله ها برای خود بسازند و این عساکر محل را در آن همراه خود جابجا کنند! این شش بادیگارد آورده شده، که امنیت ایشان و امنیت راهها و خط ریل های انتقال اموال تاراج شده، تاریاک و افیون را میگرفتند، به تدریج زبان محل آموختند و با کلچر و محیط آشنا شده و در حین بازگشت استعمارگران ، این نظامیان و رجمنت های شان، مال و متاع و این بنگله ها به این بادیگاردان محل چنان سپرده شد که زبان محل را نیز یاد گرفته بودند! و عده شان به

استرالیا و یا کشورهای های استعمار گر برده شدند! از همین افراد و خانواده ها، چودری ها و زرداری ها ساختند و در بازگشت همه بنگله ها و امکانات خویش را در اختیار شان قرار داده و تسلط بر حاکمیت را برای شان در پاکستان میسر ساختند! دو لوی درستیز و رئیس کل سپاه پاکستان مانند قومندان سرتاسری شان مستقیماً همان جنرال استعمار قبل از استقلال! فورمال پاکستان در سال ۱۹۴۷ م بود!

لذا هر که ازین مناطق روان و سلیس پشتو صحبت میدارد، حتمی نیست، پشتون باشد و پشتون تنها به گفتن نیست! در چوکات وظیفه دریافتیم که صد ها اجنت و نوکر اجیر ایران و پاکستان مانند اجنتان خفته به نام افغان و حتی تابعیت افغانی وجود دارند و خیانت سیستماتیک و دشمنی شان علیه افغانستانو افغانها سارماندهی میشود! و به نقل از زبان دست اول: صدها جلد کتب قلم نویس دانشمندان کشور که ازین امکانات خارجی، با خواستهای مغرض، استفاده نه کردن و تن به خواسته های شان ندادند، بنابر نبود امکانات مادی، آثار شان از چاپ باز ماند! و اگر اینرا گفتیم و به همین بهانه از دست اول نقل قول است که در مقطع معین از زندگی استاد، تاریخ دان و محقق حبیبی بزرگ پرسیدند، چرا به دری و فارسی بیشتر مینویسد؟ وی در یک فضای خودمانی با تبسم جواب داد: اگر منابع ایران مصارف مالی آنرا بدوش میکشند، که میکشند و میپردازند، چرا نه؟

و به تجربه مستقیم شخصی، شما در بازار و مارکیت، نسخه های متعدد ترجمه دری و پشتوی (تاج التواریخ) که اصلاً صرف به انگلیسی در هند چاپ شده، حالا در بازار و مارکیت ترجمه های دری، پشتو و متون انگلیسی، بدسترس قرار دارد که نکات مهم و خوب مستند شده آن دستکاری خاینانه شده! انسان خالی الذهن با خواندن آن، نسخ های دستکاری و دست خورده، را سخت متردد در نتیجه گیری میسازد و میشود! و ها ترجمه چکی قرآن کریم، از نویسنده چکی به نام آقای ایوان هرَبک، که شخصاً با ایشان در سالهای هشتاد، قرن گذشته، ملاقاتهای داشته ام، سالها امکانات چاپ بنابر عدم وجود امکانات مالی و موانع عقیدتی، امکان چاپ نداشت! اما در اوایل سالهای نود به کمک مالی سفارت کویت در پراگ به نام اینکه ترجمه قرآن پاک است، به اندازه و مقدار بزرگ چاپ و نشر شد! خوشی و مسرت بی نهایت از جامعه مسلمانان چکی و استقبال از کار سفارت کویت در پراگ شد و با خوشی یک کاپی را هدیه کردم!

اما دریافتیم که مقدمه ۲۵-۳۰ صفحه ای آن ضد قرآن و ضد اسلام و ضد افغان هست! لذا نوشته های عده و بسیار استانه آقای مرزایی همان ترند و راه فتنه و شرارت غیر قابل قبول است که خوب است است ماهیت های غیر ملی شناخته شدو بخاطر داشته باشیم! ما قربانی ایم و ضرورت جدی و بلا تاخیر مشترک و ملی داریم! برماست بر اولولوینها متمرکز شویم و در بحث های علمی، تاریخی و اولوبتی، فاکت، ارقام و مستندات ارایه کرده و بر همه چیز دانیته و نا دانسته اکت دانشمند و متخصص نه کنیم! منافع و مصالح علیای کشور را به سیمتی ها و انتی پتی هه و امپی های شخصی مقابل نه سازیم!

و من الله التوفیق

۲۰۲۶/۸/۵

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸